بین ایران و انگلیس

کار و جدیت و سایر خصال خوب و پسندیده از اینها نیز باید دوری کنیم.

(1)استعمال آزادی در غیر موقع خود و افراط در آن

(2)اموریکه مخالف تربیت و آداب اسلامی است

(3)سستی در دین و افتخار به لامذهبی که اساس تمام اخلاق‏ زشت و خصال نکوهیده است.

بین ایران و انگلیس

جریدهء البلاغ منطبعهء مصر که زبان حال حزب وفداست مقالهء مفصلی در زیر عنوان«اضطراب انگلیس در شرق وسط»نوشته که یک‏ قسمت آن راجع به کشمکشی است که اخیرا بین ایران و انگلیس رخ داده‏ و ما این قسمت را بطور اختصار ترجمه کرده و عنوان آنرا«بین ایران‏ و انگلیس»قرار دادیم.

مشکلاتیکه در ایران برای انگلیس پیش آمده بزرگتر و مهمتر از مشکلات بین النهرین است و تقریبا از بیست مسئله هم تجاوز میکند ولی‏ مهمترین آنها در مطالبی که در ضمن یک یادداشت بدولت ایران داده‏ است خلاصه میشود:

(1)باز گذاشتن راه در جلو طیارات انگلیسی که در بین هند و بین النهرین آمد و رفت میکنند(2)برسمیت شناختن بین النهرین(3) برگردانیدن امیر محمره؟!(4)پرداختن دو ملیون لیره که دولت انگلیس خرج‏ قشونی نموده که از ایرانیان ترتیب داده بود

نظریات دولت ایران در این قضیه بکلی با دولت انگلیس مخالف‏ است،زیرا او میگوید ممکن نیست بطیارات انگلیس اجازه عبور داده شود مادامیکه از روی طهران و اصفهان و سایر شهرهای مهم ایران نگذرند. راجع برسمیت شناختن بین النهرین نیز دولت ایران بچند علت خودداری‏ کرده است.یکی از آنها مسئلهء ایرانیان شیعهء مقیم بین النهرین است که دولت ایران میل دارد بجنسیت خود باقی بمانند و دیگری مسئله شط العرب‏ است که دولت ایران مثل جزایر بحرین جزء مناطق ایرانی میداند،در قضیه امیر محمره(!)هم دولت ایران ابدا حاضر نیست وارد مذاکره شود زیرا آنرا یک قضیه داخلی میداند،ولی دولت انگلیس مدعی است که با امیر مذکور قرار دادی بسته که بموجب آن قرار داد باید او را حفظ کند،درصورتیکه خزعل یکی از امراء ایران است و جز از جهت تمول‏ و مقام با یک ایرانی عادی هیچ تفاوتی ندارد و تنها ضعف ایران در سابق‏ موجب بلندپروازی و گردنکشی او شده بود و همینکه حکومت حالیه سر کار آمد و نفوذش بتمام اقطار ایران سرایت کرد دید که نزدیک است‏ امیر محمره از ایران منفصل شود این بود که او را گرفته و بطهران آورد و او در طهران خیلی هم محترم و معزز است ولی قوانین ایران در خوزستان‏ مثل سایر ولایات مجری است،این کار در نظر انگلیس‏ها خوش‏آیند نبود زیرا نفوذشان از آنجا زایل گردید.این بود که به ایران اعتراض کردند ولی ایران به اعتراضشان محل نگذاشت،اما پولی که انگلیس خرج قشون‏ ایرانی کرده دولت ایران بدان اعتراف ندارد زیرا او از انگلیس نخواسته‏ بود قشونی ترتیب دهد و پول خرجش کند،بعلاوه در مقابل صدمات‏ ایام جنگ ادعای خسارت از وی میکند.چنین گمان میرود که قصد انگلیس‏ از این حرفها این است که مطالب مهمتری از ایران بگیرد،این کشمکشها بین ایران و انگلیس بود که یک دفعه چشم ایران بقرار داد ابن سعود و انگلیس افتاد که بموجب یکی از مواد آن ابن سعود تعهد میکند که حقوق‏ بحرین را محترم شمارد

دولت ایران باین ماده اعتراض کرده و اعتراض خود را به مجمع‏ بین الملل داده اظهار داشت که بحرین جزیره‏ایست ایرانی و کسی حق‏ ندارد در شؤن آن دخالت کند

معلوم است که بحرین دارای امیری است که در زیر حمایت انگلیس‏ میباشد و ایران در قرن 17 و 18 بر این جزیره تسلط داشته و بحرین در زیر حکم طهران بوده است.ولی در اواخر قرن 18 تسلط ایران از انجا برچیده شد و مثل سایر آن نواحی اسما در تحت تسلط ترکیه قرار گرفت‏ هنگامیکه انگلیس در خلیج فارس شروع به بسط نفوذ نمود دست خود را بطرف بحرین نیز دراز کرد و بتوسط حکومت هند قراردادی دوستانه با امیر انجا منعقد ساخت و در سال 1869 بوی مساعدت کرد که از ترکیه‏ منفصل شود،در سال 1880 نیز با او قرار دادی بست که با هیچ دولتی غیر از دولت انگلیس حق مذاکره و مراوده نداشته باشد.یعنی تحت الحمایهء انگلیس‏ باشد،از انروز شروع بدخالت در امور بحرین نمود تا امروز که فرمانروای‏ مطلق در آنجا اوست،ولی دولت ایران هیچوقت غافل نبود و ابدا برای اعتراض‏ و اثبات حق خود فرصت از دست نداد لیکن انگلیس باعتراض او اهمیت‏ نمیداد،اولین اعتراضیکه دولت ایران نمود در سال 1869 بود که جنبش‏ برای مجزی شدن پیش‏آمد و لورد کلاندرون جوابی به این اعتراض داد که‏ امروز دولت ایران انرا سند قرار داده است ولی انگلیس میگوید امروز نقشهء عالم بکلی تغییر کرده است و حرف انروز هیچ سندیتی ندارد. این جواب از دولت انگلیس که مطالب یهود را در فلسطین پذیرفته و حقی‏ که دو هزارد(نه صد)سال پیش از بین رفته محترم شمرده و جزء قانون بین المللی‏ شمرد خیلی غریب است.و نیمدانیم چرا تعجب میکند که ایران میخواهد حق خود را در بحرین مطالبه کند،درصورتیکه ایران از روزیکه انگلیس در انجا قدم گذاشته هیچوقت از اعتراض به اعمال انگلیس و اثبات حق خود غفلت نکرده است و از آنروز تاکنون نه یادداشت داده که چهارتای آن‏ در ظرف همین بیست سال اخیر بوده است

درست است که یادداشت حق را از غاصب نمیگیرد ولی غاصب بودن‏ او را ثابت میکند و ممکن است هنگام فرصت پس گرفت،شاید در این وقت‏ هم یادداشت ایران فایدهء نداشته باشد و جامعهء ملل هم بحرف دولتی که قوهء بحری و بری ندارد گوش ندهد ولی این مسئله یک حلقه بر حلقه‏های زنجیر مشکلاتی که در خلیج فارس دست و پای انگلیس را بسته است زیاد میکند و در را برای یک محاکمهء بین المللی که ممکن است انگلیس به فیروزی کامل از آن برنگردد باز میگذارد.انگلیس این را میداندو میخواهد هرطور هست‏ مسائلی را که نمیتواند به نام قانون بین المللی تایید کند تصفیه نماید هرکس سیاست انگلیس را در خلیج فارس تتبع کرده باشد میداند که این سیاست‏ از آغاز تا انجام بریک و تیره بوده است،کاری را که امروز در عراق کرده‏ و میخواهد در محمره بکند همان کاری است که قبل از این در عمان و بحرین‏ و کویت میکرد،زیرا او معتقد است که هر دولت بزرگی به خلیج فارس برسد هند در خطر است قبل از این از آلمان و راه بغداد میترسید و امروز از روس میترسد اول گمان میکرد که انقلابی که در ایران رخ داد برای جلوگیری از روس سد محکمی‏ است ولی اکنون می‏بینید که حکومت فعلی ایران همانطور که حملهء شمال را رد میکند به همسایهء جنوبی نیز اجازهء دست درازی نمیدهد و میخواهد نفوذهائیکه در زمان پیش بوجود آمده نیز برطرف کند.معلوم‏ است که شرکت خط هواپیمائی امروز از ایران صرف‏نظر کرده و متوجه‏ سواحل عربستان شده و برای پیدا کردن نزدیکترین خطی از سواحل عربستان‏ به بلوچستان و از آنجا به هند مشغول مطالعه است،شاید این مطالعات هم‏ برای این باشد که به ببینند نتیجهء کشمکش بین ایران و انگلیس چه میشود و همینکه دیدند ایران اجازه نخواهد داد به سواحل عربستان منتقل میشوند البته در انجا نقاطی است که تباع ابن سعود است و گمان نمیرود که ابن‏ سعود برای انگلیسها در این مسئله اشکال تراشی کند و یک قسمت هم متعلق‏ به امراء موهوم عرب است که البته با اقایان خود مخالفت نمیکنند،وقتیکه‏ مسئله این‏طور تمام شد انگلیس یکقدم عقب نشسته و عقب نشتن او ایرانیان را تشویق میکند که بیشتر حق خود را حفظ کرده و در سیاست‏ دنیا بهتر بازی کنند

بنادر جنوب

مقالهء بنادر جنوب بواسطهء مسافرت نویسندهء محتر آن آقای میرزا احمد خان‏ فرامرزی بر شمارهء آینده موکول گردید